

## باسمه تعالی

بررسی طرح پژوهشی مسائل بنیادی نظام خانواده در ایران با استفاده از روش دلفی

ارائه دهنده: آقای دکتر خجسته مهر

تاریخ ارائه: ۱۳۹۲/۱۰/۳

بسم الله الرحمن الرحيم. من تا حالا روی مدل های کمی کار می کردم. ورود من به تحقیقات کیفی از بسیج اساتید در کنگره مشهد آغاز شد که بر اساس یک برنامه مشخص، بسیاری از نظریه های مکاتب روان شناسی و تربیتی مورد نقد قرار گرفت و به لطف الهی مورد استقبال هم واقع شد. اولش من فکر نمی کردم بتوانم در این حوزه وارد بشوم ولی آنجا من این تحقیق را انجام دادم و علاقه مند شدم به این نوع تحقیقات. روش دلفی به نظر سنجی از نخبگان معروف هست. نوعی تحقیق کمی-کیفی است که به ابعاد کمی و کیفی موضوع، نظر دارد. با توجه به این که از چارک ها و میانه و میانگین و ... استفاده می کند، گزارش هایش کمی به حساب می آید. از آنجایی که یک سؤال می دهد و نظریات افراد متخصص در آن عرصه را می پرسد، کیفی محسوب می شود. قرار شد مسائل بنیادی خانواده با استفاده از روش دلفی مورد بررسی قرار گیرد. بر همین اساس بنا به پیشنهاد اندیشکده خانواده، قرار است که ما به یک وفاقی برسیم. ببینیم نظر متخصصین در باره چالش های خانواده چیست؟ من هم قبول کردم که با همکاری دوستان و با نظارت عالی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر افروز این کار را انجام دهم. شاید نقص هایی بر این طرح وارد باشد. من دوست دارم به من بگویید. بسیاری از جامعه شناسان و روان شناسان بر این اعتقاد هستند، که نظام خانواده در معرض تهدید می باشد. بعضی ها به تغییرات ساختاری اشاره کردند، بعضی ها هم به تغییرات کارکردی. که حالا ما چون روان شناس هستیم، به کارکردها، می پردازیم. آیا خانواده به خاطر افزایش طلاق در معرض تهدید است؟ یا به خاطر این که روابط عاطفی رو به سستی گراییده، یا به خاطر این که خانواده ها به فضای مجازی روی آورده اند، و یا به خاطر افزایش سن ازدواج، به خاطر تغییر در شیوه همسرگزینی و آداب و رسوم ازدواج، و هزاران مسئله دیگر. یک زمانی استادی، مباحث می کرد که مقاله اش پر استناد است مقاله اش داغ

است این همه مقاله ISI دارد. ولی به نظر من الان برای یک استاد فرهیخته، این مباحث نیست، هرچند ارزشمند است. به خاطر این که الان جامعه ما از مشاوران و جامعه شناسان انتظار دارد یک فکر اساسی بکنند و همه چشم ها به دانشگاه دوخته شده است. بنابراین به نظر من این موج تغییرات، تهدید کننده هویت دینی و ملی و مذهبی ما است. این مسائل که در جامعه ما و در خانواده های ما هست، حتی اگر به خاطر عرق ملی و هویت ملی و مذهبی هم که شده، باید مورد چاره اندیشی نخبگان قرار بگیرد. متأسفانه گزارشات و یافته های تجربی قابل استنادی، وجود ندارد که مسائل بنیادی و چالش های خانواده های ایرانی چیست؟ بنابراین ضرورت دارد برای رسیدن به یک وفاق و یک اتحاد در باره مسائل بنیادی خانواده، نظرسنجی کنیم. بر همین اساس ضرورت و اهمیت این پژوهش روشن است، چون تحقیق دلفی به دنبال پیشنهاد است. از طرف دیگر، رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خراسان شمالی، در ارتباط با سبک زندگی اشاره کردند و از نخبگان دعوت کردند که مسائل مربوط به خانواده را مورد بررسی قرار دهند. از سوی دیگر بین روان شناسان، مشاوران و جامعه شناسان در این که مسائل اصلی خانواده چی هستند، اختلاف نظر است. بنابراین هر جا بین افرادی که تخصص دارند، اختلاف نظر باشد، مراجعه به تحقیق دلفی می تواند راه گشا باشد. با استفاده از این تکنیک، نمونه ای به تعداد ۲۰ تا ۳۰ نفر از کسانی که در آن حوزه صاحب نظر هستند، انتخاب و نظراتشان جمع آوری می شود. البته این تکنیک اشکالاتی هم دارد، ولی در هر صورت ارزشمند است. از این ها که بگذریم، رئیس جمهور هم مقاله ای در این زمینه دارد و چالش ها را بررسی کرده اند. بنابراین از لحاظ سیاسی و مقامات هم، این تحقیق ضرورت دارد. یعنی در واقع همه به آن اشاره می کنند. هم روان شناسان، هم جامعه شناسان و هم مقامات و همچنین رهبر معظم انقلاب. این همه نگاه و حساسیت به خانواده، نشان دهنده اهمیت موضوع است. کمترین انتظار از متخصصان این است که جمع بشوند و به این سؤال اساسی جواب بدهند. سؤال این هست که از دیدگاه متخصصان حوزه خانواده، مسائل بنیادینی که خانواده های ایرانی با آن روبرو هستند، چیست؟ هدف این پژوهش، شناسایی و بررسی عقاید صاحب نظران و متخصصین درباره مسائل بنیادین خانواده های ایرانی است. طبق روش دلفی سؤال را ۳ تا ۴ بار از متخصصین می پرسیم و

جواب می‌گیریم و گزارش می‌دهیم. همان‌طور که می‌دانید روش‌شناسی این تحقیق مبتنی بر ابعاد کمی و کیفی است. کمی بودنش به خاطر این هست که با میانگین و چارک‌ها و میانه، سر و کار دارد و کیفی بودنش به خاطر این هست که با سؤالات کیفی سروکار دارد و در هر صورت از آنجا که تفسیر آن خیلی وابسته به کمیت‌ها نیست، می‌توانیم بگوییم تحقیق، کیفی است. نمونه‌گیری بر اساس روش دلفی، هدفمند است و علی‌القاعده ما سؤالات را از کسانی می‌پرسیم که در حوزه مورد نظر دارای تخصص هستند. اگر گروه دلفی به‌طور نامناسب انتخاب شود، یافته‌هایش هم غیر اساسی است. به عبارت دیگر نمی‌شود گفت یافته‌هایش روایی دارد. بنابراین انتخاب تصادفی در کار نیست. به عنوان مثال از استاد می‌خواهیم که چند نفر از افرادی که در این زمینه صاحب‌نظرند را به ما معرفی کند. ما چهار ملاک زیر را برای گروه نمونه انتخاب کردیم. ۱- داشتن حداقل دو کتاب تالیفی در زمینه روان‌شناسی و مشاوره خانواده. ۲- داشتن حداقل ۵ سال تجربه مفید و مؤثر در حوزه خانواده‌درمانی و ازدواج. ۳- داشتن حداقل دو مقاله در زمینه روان‌شناسی و مشاوره خانواده. ۴- برگزاری حداقل سه کارگاه در ارتباط با مسائل خانواده. البته وقتی اعضای گروه دلفی بر اساس ملاک‌های مورد نظر انتخاب شدند، من حتماً دوباره نظرسنجی می‌کنم. به خاطر اینکه اطمینان پیدا بکنم. این از ویژگی‌های افرادی است که ما می‌خواهیم انتخاب کنیم. روند اجرایش هم طبق تعریف دلفی، گفتیم که سه مرحله رفت و برگشتی دارد که اصطلاحاً به هر رفت و برگشتی یک راند یا مرحله گفته می‌شود. در راند اول، اولین پرسشنامه را که می‌دهیم، یک سؤال کلی مطرح می‌کنیم، مثلاً می‌گوئیم از دیدگاه شما مهم‌ترین مسائل بنیادی خانواده‌های ایرانی چی هستند؟ هر کسی یک چیزی می‌گوید. البته می‌توانیم قبل از شروع، اطلاعاتی را به آن‌ها بدهیم.

آقای دکتر افروز: آقای دکتر داشتن حداقل دو کتاب و یا چند مقاله و امثال آن نوعی سخت‌گیری غیر ضروری است. محدود کردن ملاک‌ها به روان‌شناسی و مشاوره خانواده هم ضرورتی ندارد. جامعه‌شناسان هم از اعضای ما هستند. جامعه‌شناسان خانواده هم در این حوزه صاحب‌نظر هستند.

آقای دکتر خجسته‌مهر: الان اگر ما اگر بخواهیم جامعه‌شناسان را اضافه بکنیم، به نظر من در واقع دو تا حوزه می‌شود و بعد جمع‌آوری این‌ها واقعاً سخت می‌گردد.

آقای دکتر افروز: می‌دانم ولی عوضش برکاتی را خواهد داشت. مثلاً آقای دکتر ساروخانی در حوزه خانواده کار کرده و صاحب نظر است. استفاده از صاحب نظران حوزه های مرتبط با عث ارتقای کیفیت کار می‌شود.

آقای دکتر خجسته مهر: این کار مستلزم داشتن دو گروه نمونه است. به عبارت دیگر از این منظر باید دو گروه دلفی داشته باشیم.

سرکار خانم دکتر حمیدی: ببخشید من متوجه نشدم که این پروپوزال هست یا نتیجه کار هست؟

آقای دکتر خجسته مهر: این پروپوزال هست و اگر پروپوزال ایرادی دارد، بگویید تا اصلاح کنیم. به عنوان مثال در راند اول فهرستی از مسائل را به افراد نمونه می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم که مسائل حوزه خانواده را بیان کنند. در راند دوم ما می‌آییم این‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم و مشابه‌ها را حذف می‌کنیم و موارد مورد اختلاف را مجدداً بین افراد گروه که همان صاحب نظران هستند، توزیع می‌کنیم. به عبارت دیگر سؤالات را به صورت یک طیف در می‌آوریم و حالا می‌گوییم از ۱ تا ۷ میزان توافق و مخالفتتان را بگویید. در مرحله سوم دوباره می‌آییم این‌ها را خلاصه می‌کنیم و دو باره به آنان بر می‌گردانیم تا به یک توافقی برسیم. بعضی‌ها می‌گویند تا چهار راند هم ادامه پیدا می‌کند. شیوه تجزیه و تحلیل را هم مشخص می‌کنیم که از چه شاخص‌های آمار توصیفی استفاده کردیم و منابعی را هم که اینجا ما استفاده کردیم، روشن می‌کنیم. با این رویکرد عملاً ما یک پیمایش، انجام می‌دهیم. به طوری که آنها هم برای خانواده مسائلی را مطرح کردند از جمله پرخاشگری، خشونت گری برای زنان و ... آن‌ها هم این نوع مسائل را مطرح کردند و ما کاری به آنها نداریم فقط می‌توانیم به عنوان ادبیات ازشان استفاده بکنیم.

آقای دکتر افروز: ممنونیم. جناب آقای دکتر خجسته مهر کار را شروع کردند. جناب دکتر ساجدی نیا هم کمک کردند. به عنوان شروع، کار خوبی هست. حالا همین را اگر اجازه بدهید مقداری بحث بشود. دوستانی که نظر دارند، نظرشان را بدهند.

خانم دکتر حمیدی: من استفاده کردم آقای دکتر. ولی به نظر من خیلی پروپوزالتان ضعیف بود. دلایلش را هم خدمتان عرض می‌کنم، اولاً چون من خودم با روش دلفی کار کردم و پایان نامه کارشناسی ارشدم درخصوص ارائه ارزیابی عملکرد آموزش متوسطه به روش دلفی بوده و همان طور که شما ارائه فرمودید تکنیک دلفی هم

روش کمی هست و هم روش کیفی و خیلی هم دقیق اتفاقاً. چون شما از دید خانواده نگاه می‌کنید. اولاً به نظر من بایستی مجموعه ای از همه چالش های موجود در زمینه خانواده را فهرست بکنید و به همان متخصصین مورد نظر بدهید. به نظر من بهتر است متخصصین را هم تعدیل کنید. مثلاً متخصصین حوزه جامعه شناسی یا روان شناسی ۱۰ تا بیشتر یا کمتر. می‌خواهم بگویم با چند گروه دلفی کار کنید. دوم اینکه از همان اول شما فهرست داشته باشید. مثلاً من روی موضوعی کار کردم و بعد به همه عناوین، وزن دادم و براساس فرمول، خیلی کار دقیقی انجام دادم. با وزن دهی که به هر یک از این چالش ها داده می‌شد، برای مرحله بعدی با یک وزنی وارد می‌شود به همین دلیل فکر می‌کنم گروه هایتان باید تنوع بیشتری داشته باشد با همان تعریفی هم که کردید. من با دو رویکرد می‌گویند که کارکرد خانواده است هم کارکردی دیدم و هم ساختاری دیدم، به همین دلیل فکر می‌کنم حتی کسانی که تز دکترایشان یا حتی مقاله نوشته اند را می‌توانند در حوزه گروه دلفی شما وارد بشوند.

آقای دکتر خجسته مهر: ببخشید من فقط یک توضیحی بدهم، هر رشته ای، text مربوط به خودش را دارد. جدیدترین کتاب ها و تکست های متدولوژی و خانواده درمانی که دلفی را معرفی میکند، در روانشناسی کاملاً به این سبک هست. خودم تحقیق دلفی را تا کنون انجام ندادم ولی چندین پایان نامه دکترای روان شناسی خانواده دیدم که از تکنیک دلفی استفاده شده. مقالاتشان را هم دیدم. شاید پرسید به چه منظور و چرا از روش دلفی استفاده می‌کنید؟ به خاطر اختلاف نظر در دیدگاه متخصصان و لذا من نخواستم این را باز کنم. من می‌خواستم این پروپوزال را توضیح بدهم. نمی‌خواستم درس بدهم. ببینید الان بین روان شناسان خانواده مگر اختلاف نیست؟ ما می‌خواهیم به یک اجماع نظر برسیم که بالاخره این مسائل بنیادین چی هست. گام بعدی پیش‌بینی اقداماتی هست، که ما باید انجام بدهیم. الان همین جمع می‌نشینیم هر فردی در خصوص مسائل خانواده یک چیزی می‌گوید. من در ایران تحقیقی ندیدم جزء یک مقاله تحلیلی از آقای دهقانی که چاپ شده. حالا اگر جای دیگری هم هست من واقعاً اطلاع ندارم. چون نمی‌توانم ادعا کنم. تا آنجا که می‌دانم کسی در ایران مسائل بنیادین خانواده را از منظر روان‌شناسی خانواده مورد پژوهش تجربی قرار نداده است. اصولاً روش دلفی به این شکل هست، اما اگر شما یک روش دیگری رابه کار بردید، این حرف دیگری است.

سرکارخانم دکتر باقری: بسم الله الرحمن الرحيم؛ تشکر می‌کنیم از آقای دکتر خجسته مهر. به هر حال طرح این موضوع و انگیزه ای که پشت آن است ناشی از دغدغه خود محقق است و جای تحسین و تشکر دارد. نکاتی که بنده عرض می‌کنم از منظر اختلافی است که در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مطرح است. نکاتی است که به ذهن بنده رسیده خدمتتان عرض می‌کنم. اگر در جایگاه تکنیک داریم از دلفی استفاده می‌کنیم، فکر می‌کنم حاصل کار جمع آوری اطلاعات است. و اگر در مقام متد یا روش داریم استفاده می‌کنیم، این مقتضیات خاص خودش را دارد. بنابر این اگر الزامات روش دلفی را تکنیک دلفی جامع ببینیم و فکر کنیم این هم همان است، به نظر می‌آید دقیق، نیست. کما اینکه شما فرمودید با یک سؤال باز شروع می‌کنیم. خوب روش کیفی ناظر به این نیست که حتماً از یک سؤال باز شروع شود، یعنی الزامات دیگری هم دارد و گذشته از این، آن مراحل را که فرمودید، معمولاً استفاده می‌شود. بنابراین این هم ناظر به الزامات خود تکنیک بیکر می‌تواند باشد. نکته بعدی این هست که چرا روی کارکردها خودتان را محدود می‌کنید؟ اگر که تغییرات کارکرد مد نظر شما هست، چرا با جامعه‌شناسان شروع نمی‌شود؟ منظورم این هست که تحلیل کارکردها یعنی ابعاد اجتماعی‌اش در واقع جایگاه مهمی دارد. تحلیل کارکردهای اجتماعی خانواده، در واقع نمود تغییر کارکردها در تحولات اجتماعی بیشتر خودش را نشان می‌دهد. فقط اینکه اگر ما از فراتحلیل استفاده می‌کردیم آن‌ها را در تحقیقات مختلفی که انجام شد، استخراج می‌کردیم به سبک فراتحلیل. حالا عنوانش شاید مسائل بنیادی یا مسائل خانواده ایرانی نباشد، ولی هرکدامشان به نوعی ناظر بر این هستند که دلالت بر وضعیت خانواده ایرانی دارند و می‌تواند اکتشافاتی بر مسائل خانواده ایرانی داشته باشد. این با یک فراتحلیل بدست می‌آید. چیزی که به نظر بنده می‌رسد و در شرایط فعلی آنچه خیلی برای ما مهم است، بازشناسی مسائل بنیادی نیست. به نظر من اگر شما به روش فراتحلیل می‌رفتید و نظر اندیشمندان را می‌گرفتید حتی در خصوص یک مسئله ای که بیشترین فراوانی را دارد در تحقیقات و پژوهش‌های گذشته در رابطه با خانواده این دلالت بسیار قوی تری به لحاظ نظری به خصوص دیدگاه بومی راجع به نظریه خانواده ایرانی می‌تواند داشته باشد. چون در همین روش‌ها هم مقدار خیلی زیادی از این مراحل را طی می‌کنیم، طبقه بندی می‌کنیم و به یک اجماع نظری می‌رسیم و وقتی به اجماع نظری رسیدیم، الزامی هم نداریم که تعداد شما زیاد باشد. حتی با

۲۵ یا ۳۰ نفر می‌شود این تحقیق را انجام داد. منظورم این هست که در خصوص یک مسئله هم به یک تئوری برسیم. یک تئوری زمینه‌ای داشته باشیم. ما می‌توانیم یک قدم در راه حل کردن مسئله داشته باشیم، عرض دیگری ندارم ان شاءالله موفق باشید.

سرکارخانم دکتر اسمعیلی: یک سؤال دارم. آیا جلسه ما جهت بررسی پروپوزال تهیه شده یا خیر؟ ما می‌توانیم وقتمان را بگذاریم تا پروپوزال را بررسی بکنیم یا خیر؟ ریز ریز این کار را انجام بدهیم و برویم روی روش؟ روی این که از روش دیگری استفاده بکنیم من فکر می‌کنم که خیلی بهتر خواهد شد که روی یک زمینه یا یک موضوع ما صحبت بکنیم درواقع مبانی که در خانواده مطرح است و ما الان با آن مشکل داریم برای همین اساس بحث با این ساختار مهم تر است که به آن پردازیم. خود این هم یک داستان هایی را دارد که می‌توانیم روی این ها صحبت بکنیم. این که خود این پروپوزال را به لحاظ روش ابزاری بخواهیم وقت مان را برایش بگذاریم به نظرم حیف است. بهتر است دو یا سه نفر بنشینند و بگویند از چه راهی باید برویم آیا مثلاً آن فعالیت را تغییر بدهیم یا نه. مثلاً دلفی استفاده بکنیم؟ کدام ها لازم تر است؟ به کجا خواهیم رسید؟ هدفمان چی هست؟ فکر کنم با دو یا سه نفر هم بشود این کار را انجام داد. ولی در مورد اصل موضوع و یا بعضی از بخش های مطلب، شاید بتوانیم به یک نتایجی برسیم. یک چیزهایی که مثلاً عوامل بنیادی را از ۲۰ یا ۳۰ نفر متخصص کار انجام دهند به این دلیل که آیا متخصصین ما واقعاً ۲۰ یا ۳۰ نفر متخصص خانواده درمانی در ایران داریم که دیدگاهی داشته باشند که مسائل ایران را بشناسند، واقعاً آشنایی داشته باشند. فقط فن گو نباشند، فن کار نباشند، یعنی آدم های فنی نباشند، آدم هایی باشند که بنیاد خانواده را بفهمند و بشناسند. سیستم خانواده در یک ملتی چه طوری است؟ تعاملاتشان چه طور رخ می‌دهد؟ اصلاً برایشان مهم باشد چنین چیزی. من نمی‌دانم. شاید شما که بیشتر در ارتباط هستید، بدانید. واقعاً ما داریم ۲۰ یا ۳۰ نفر آدمی که مثلاً دیدگاه خاصی را برای ما توضیح بدهد. مثلاً در حد بچه‌های فوق لیسانس ما که اگر خوب کار کرده باشند می‌توانند به همین استادهای ما اشکال وارد کنند، شاید دو قدم جلوتر هستند. گاهی اوقات آدم نگاه می‌کند، می‌بیند که مثلاً ساختار خانواده ای که مینوچین بر اساس یک نظر صهیونیستی درآورده و مطالبش را بر همان مبنا نوشته است چه به درد ما می‌خورد؟ نمی‌گویم به درد نمی‌خورد.

خیلی هم خوب است. واقعاً استفاده می‌کنیم. ولی چه قدرش به درد ما می‌خورد. واقعاً ما چه طوری می‌توانیم از آن استفاده بکنیم. آن ساختار با چی روبرو شده، مدلش تغییر کرده است. ما الان مدت ها است از آن مدل ساختاری عبور کردیم. اگر ساختار تغییر پیدا بکند، کارکرد تغییر پیدا می‌کند باید این فردی که می‌خواهید بنشینید با او مصاحبه بکنید چون شما در واقع از یک روش علمی خاصی استفاده می‌کنید. وقتی از این روش می‌خواهید استفاده بکنید، "من" مهم می‌شوم. یعنی مسئله اصلی شما نادیده گرفته شده است. یعنی شما آن را نگاه نمی‌کنید. "من" مهم می‌شوم. من نظر می‌دهم. بعد شما نظرات ما را جمع می‌کنید، حالا ما این نظرات را از کجا آوردیم خیلی مهم می‌شود. آیا ما نظریات را تحمیل می‌کنیم به جامعه، به واقعیت خارجی، یا اینکه نه این را از واقعیت خارجی گرفته‌ایم. اصلاً ما دغدغه گرفتن مسئله از واقعیت خارجی داشته‌ایم که حالا می‌خواهیم نظر "من" را بگیریم و بعد بر مبنای آن بخواهید الگو بسازید و بگویید این است مسائل بنیادی خانواده ایرانی. واقعاً ما با چنین چیزی روبرو هستیم. در اینجا شما نه تنها با جامعه‌شناس باید صحبت بکنید بلکه با رسانه هم باید صحبت بکنید. شما با خود خانواده هم باید صحبت بکنید. مثلاً چیزهایی که شما فرموده بودید اینکه یک نفر باشد که دو تا کتاب داشته باشد، چند تا مقاله داشته باشد، ۵ سال تجربه داشته باشد و کارگاه گذاشته باشد خوب اگر این خودش زیرآب خانواده را بزند چی؟ یعنی اگر مجموعه‌ای را شما جمع بکنید با همین دلایل. بعد این آدم‌هایی که شما جمعشان کردید و خیلی هم معروف هستند. همین ها بنیان خانواده را در ایران زده باشند چی؟ از طریق رسانه آن وقت شما چه کار می‌کنید، یعنی یک مقداری تکمیل تر باید به آن اصل مطلب برسیم. اینکه واقعاً هدفتان برای رسیدن به مسائل بنیادی خانواده چی هست؟ می‌خواهید به چه چیزی برسید. می‌خواهید یک تحقیق انجام بدهید؟ می‌خواهید واقعاً مسائل ملی را حل بکنیم؟ اگر واقعاً قصدمان این هست؟ این یک داستان دیگری است. من به شما یک اعتراض دارم. ما هیچ وقت نمی‌توانیم در ضرورت تحقیقمان، از دلایل نقلی استفاده بکنیم. حتی نمی‌توانیم بگوییم چون پیامبر فرمودند، پس ما این کار را می‌کنیم. اصلاً ما در تحقیق چنین چیزی را نداریم؟ پس ما به دلیل عقلی می‌توانیم یک کار را انجام دهیم نه به دلیل نقلی. الان چیزهایی که شما فرمودید، چون مقام معظم رهبری هم گفتند که این - جوری هست، خوب باشه، بگویند، ما باید اینگونه مسائل را به ایشان بگوییم. این مسائل را ما به گوش ایشان می‌-



رسانیم و ایشان بیان می‌کنند، مثلاً شما می‌فرمایید بله الان چون خانواده تغییر کرده به خاطر بالارفتن سن ازدواج، به خاطر عدم ارتباط عاطفی، همه این‌ها عوارض از هم پاشیدگی یک خانواده است. این‌ها دلایل از هم پاشی خانواده نیست، بلکه عوارض‌شان هست. یعنی اگر ما چند تا پایان‌نامه و چند تا مقاله را در مجله بررسی کنیم، در می‌یابیم که آیا ما واقعاً به علل و ریشه کارها پرداختیم؟ یا به عوارض کارها می‌پردازیم. ما عوارض را به عنوان عوامل می‌گیریم. این به خاطر این هست که ما اصولاً بنیادین فکر نمی‌کنیم. روش فکر کردن بنیادین به نظرم یک مقداری در سطح بالاتری هست، چون سؤالش بنیادی نیست و می‌بینم که من به درد کار شما نمی‌خورم. من نمی‌توانم، چون من این‌جوری فکر نکردم، بلد نیستم این‌جوری فکر بکنم. شما ۲۰ یا ۳۰ نفر نمی‌خواهید شما یک نشست می‌خواهید ۵ یا ۶ نفر می‌خواهید که واقعاً بتواند عمیق به قضیه نگاه بکنند. واقعاً در آن تحلیل‌هایشان حرف‌هایی داشته باشند که یک مقدار دغدغه‌های خانواده برای خودشان مهم باشد و یافته‌های خودشان باشد. به نظرم آن وقت کار شما می‌تواند به یک جایی برسد و آدم‌ها را یکمی می‌توانید حرکت بدهید.

سرکار خانم دکتر حسینیان: بسم الله الرحمن الرحيم، از نظر عنوان فکر می‌کنم عنوان خیلی خوبی هست. جایش هم همین جا هست. یعنی من دغدغه‌های آقای دکتر را می‌دانم که واقعاً خیلی از اوقات ما آن مسائل اصلی خانواده را مطرح نمی‌کنیم، مسائلی که ما در پایان‌نامه‌هایمان مطرح می‌کنیم و یا در کلاس‌ها، درس می‌دهیم، در کتاب‌هایمان می‌نویسیم، یک جورایی متفاوت از مسائل بنیادی خانواده‌های ایرانی هست. یک ملاحظاتی می‌کنیم. مثلاً بعضی از موضوعاتی که می‌خواهیم صحبت کنیم، نگران این هستیم که اگر این موضوع مثلاً درد سر آفرین باشد، مقاله‌اش چاپ نمی‌شود یا فرض بکنیم مثلاً برای ما مشکل ایجاد می‌کند. ما روی خیلی از مسائلی که واقعاً ممکن است مشکلات بنیادین باشد، مربوط به پرخشگری به زنان باشد، یا حضانت کودک باشد، یا دو همسری باشد، یا خیلی مسائل شبیه به این، واقعاً دنبال درد سر نمی‌رویم. خیلی راجع به آن‌ها صحبت نمی‌کنیم. همین مشکلات را در کلاس‌ها و پایان‌نامه‌ها می‌گوییم. خوب این مشکلاتی هست که در مراکز مشاوره مطرح می‌کنند یا در دادگاه خانواده مطرح می‌کنند یا پیش وکیل مطرح می‌کنند. این‌ها واقعاً متفاوت هست به نظر من، ما در دانشگاه‌هایمان مسائل بنیادی را نمی‌بینیم. شاید روی نظریه‌ها و تئوری و یک مسائل کلی که زیربنای تئوری دارد،

صحبت می‌کنیم، درحالی که در مراکز مشاوره هایمان و در دادگاه های خانواده و در مراکز حقوقی، مشکلات بنیادی را می‌بینیم. مشکلات بنیادی یعنی چی؟ یعنی مشکلاتی که دارد ریشه خانواده را از هم می‌پاشاند اگر این-جوری بخواهیم بررسی بکنیم، فکر می‌کنم مراجعه به مراکز مشاوره و دادگاه های خانواده شاید بهترین راه باشد. آقای دکتر خجسته مهر: چالش های خانواده ایرانی در همان روزهای اول در اندیشکده مطرح می‌شد منتهی گفتند از این واژه استفاده نکنیم. بنویسیم مسائل بنیادین. بنابراین ابتدا چالش ها بودند چالش هایی که خانواده ایرانی را تهدید می‌کنند.

دکتر به پژوه: بسم الله الرحمن الرحيم، باعرض سلام خدمت همکاران عزیز، نکاتی که می‌خواهم عرض کنم در چند قسمت هست. با توجه به ارادت کامل به آقای دکتر افروز و آقای دکتر ساجدی نیا، لازم است یک مقدار نظم و انضباط بیشتری به بحث جلساتمان بدهیم. فرایند کارمان، مشخص بشود. الان چندمین جلسه هست؟ در هر جلسه باید صورتجلسه قبل داده بشود، مرور بشود، یک پیوستگی مباحث پیش بیاید که ببینیم ما جلسه قبل چی بحث کردیم. جلسه بعد چی؟ این انسجام و پیوستگی را با در دست داشتن صورتجلسه مکتوب و مطالعه می‌توانیم به آن برسیم مطلب بعدی که می‌خواهم اشاره کنم ادامه بحث هایی است، که جلسه قبل عرض کردم. اکثر دوستان تشریف داشتند، که من گفتم اساساً ما که در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نشسته ایم، باید الگوی مطلوب خودمان را از خانواده معرفی بکنیم و بگوییم مثلاً الان سال ۱۳۹۲ هست و سال ۱۴۱۲ مثلاً می‌خواهیم به کجا برسیم. در واقع وضع موجود مورد تأیید ما نیست. ما می‌خواهیم به یک وضع مطلوبی برسیم. آن وضع مطلوب را ترسیم بکنیم. یکی از آن مواردی که آقای دکتر افروز اشاره کردند، این بود که ما بیاییم خانواده موفق و خانواده مطلوب، هر چی که اسمش را بگذاریم، بیاییم در کتاب های درسی ترسیم بکنیم. چون کتاب های درسی چیزهایی هست که همه آن را می‌خوانند، رویش دقت می‌کنند و فکر می‌کنند. یا همین الگو را بیاوریم و در رسانه ملی بگوییم آقای رئیس سازمان صدا و سیما، برنامه ۵ ساله شما در حوزه خانواده چی هست؟ از کجا می‌خواهید شروع کنید و به کجا می‌خواهید ختم کنید. روی الگوی مطلوب روی آن وضع مورد نظر مانور بکنیم، بگوییم و بعد مسئله بعدی بررسی وضع موجود است. الان، اینک و اکنون متخصصان و کارشناسان نظرشان درباره وضع موجود خانواده چی

هست؟ و یادمان باشد خانواده در واقع یکی از نمونه بارز پدیده های اجتماعی است، که مسائل حقوقی، جامعه شناسی، فقه، سیاست، روان شناسی، همه این ها مطرح می شود و ما نمی توانیم این را نادیده بگیریم. با یک نگاه جامع باید این ها را داشته باشیم ما در ترکیب جلساتمان از این دیسپلین ها داشته باشیم یک نفر متخصص رسانه یک نفر متخصص اقتصاد یک نفر متخصص مدیریت، لذا روی این مسائل اگر بخواهیم کار بکنیم باز همین مسئله مطرح است. در رابطه با طرح آقای دکتر خجسته مهر که زحمت کشیدند، واقعاً شجاعانه پیشقدم شدند، خوب بهتر بود ما قبلاً این طرح را می خواندیم، از قبل در اختیار داشتیم و با پیش آگهی و آمادگی قبلی می آمدیم. یک کلمه که من توصیه می کنم حتماً به عنوان اضافه بشود، کلمه شناسایی هست. شناسایی مسائل موجود. حالا این بنیادین را هم بگذاریم کنار، مسائل موجود الان، اکنون و اینک خانواده های ایرانی از نظر خانم دکتر حسینیان که ۳۰ ساله مشاوره می کنند چی ها هست. من یک چک لیست درست کردم خدمت شما ایمیل می کنم عواملی که سلامت خانواده را تهدید می کند. ۴۰ تا عامل را لیست کردم، که می شود بر اساس روش لیکپت از خود پدر و مادرها، از کارشناسان و چه دیگران نظرسنجی بکنید که خوب این ها کدام هایش آسیب می رسانند. مسائل موجود خانواده ها از نظرتان چی هست؟ همکاران، حالا اشاره فرمودند، روی بحث فراتحلیل روی بحث تحقیقات میدانی و امثال آن را ما در این رابطه نباید فراموش کنیم. برویم ببینیم در مجتمع های قضایی ما چه می گذرد این ۲۵ درصد طلاق عاطفی، ۲۵ درصد مشاجره های خانوادگی، این ها کجا هست؟ چی هست؟ این ها را به شکل میدانی و با یک نمونه گیری ملی دنبال کنیم. چون مسائل مربوط به خانواده استان ایلام با استان فارس با استان سیستان و بلوچستان زمین تا آسمان فرق می کند و این چیزی هست که ما از آن غافلیم. در دنیا بودجه های کلانی به این طرح های ملی اختصاص می دهند. نه اینکه ما بیاییم یک گوشه مثلاً منطقه ۱ و ۲ تهران برویم در تجریش و ۳۰ تا را بگیریم و بعد، این نیاز هست به یک گروه تحقیق وسیع و یک بودجه وسیع سیستماتیک. ممکن هم است که یک روز و دو روز جواب ندهد خوب اشکال ندارد، ولی اگر ما بخواهیم، اول باید تصویر موجود را شناسایی بکنیم، تصویر مطلوب هم ترسیم بکنیم. بعد حالا سؤال بعدی پیش می آید که چگونه از وضع موجود به وضع مطلوب قدم برداریم، و بالاخره بحث جهانی شدن چیزهایی هست که اصلاً در اختیار ما نیست و بسیار کنترل و مهارش مشکل

است. به هر حال خلاصه اش این هست که من باز تأکید می‌کنم سراغ مسائل موجود رفتن، سراغ چالش های موجود رفتن، خوب است. اما ما باید در این مرکز بیاییم یک کار جدی ارائه بدهیم. برای مثال، بگوییم اگر ایران اسلامی بخواهد روی سعادت را ببیند، باید در ارتباط با خانواده از این جا شروع بکند. این قدم ها را بردارد، این کارها را بکند، که این مبتنی است بر آموزه های دینی مان و ملی یمان و یافته های علمی و همه این ها، این یعنی من باید بیایم اینجا و خدا و کیلی شش دانگ وجودم را اختصاصاً بدهیم به این کار. باید بیایم اینجا مقیم بشویم، با ماهی یک جلسه و این ها کار پیش نمی‌رود. من نگاهم این هست. ما باید طرح الگوی مطلوبمان را ترسیم بکنیم.

آقای دکتر افروز: این جمله آخر حضرت عالی کاملاً درست است. قرار بر این شد که کارگروه هایمان را تشکیل بدهیم. ما در واقع به عنوان شورای عالی اندیشکده خانواده هستیم. ما کلان، نگاه می‌کنیم و مثلاً کارگروه هایمان می‌تواند به سرپرستی یکی از اعضای خودمان باشد. قرار شده است کارشناسان و دانشجویان دکترا، باسواد و توانا و خلاق داشته باشیم. ممکن است بعضاً رساله دکترایشان بشود. قرار شد همه دوستان معرفی بکنند. به آن ها حق الزحمه هم پرداخت می‌شود. از دانشگاه تربیت معلم، شهید رجایی، علامه، تهران و ... هر جا که می‌دانید بگویید.

این ها به درد این کار می‌خورند چند تا معرفی بکنید. ما اینجا cd هایمان را داشته باشیم ما چند تا کارگروه داریم. آن وقت آقای دکتر خجسته مهر با این کارگروه ها کار کنند. به همین جهت قرار است خارج از اینجا با کارگروه های تخصصی خودمان کار بکنیم. این کارگروه ها را ان شاءالله معرفی می‌کنیم که به آن ها حق پژوهشی داده می‌شود این ها را صحبت کرده ایم و این کار شروع شده. بعضی از اندیشکده ها کارگروه هایمان فعال شده.

آقای دکتر فاطمی از شما ممنونیم تشریف آورده اید بفرمایید.

آقای دکتر فاطمی: بسم الله الرحمن الرحيم، خیلی تشکر می‌کنم از آقای دکتر خجسته مهر. طرح جالبی را ارائه دادند. من چند تا نکته را به عنوان پیشنهاد عرض می‌کنم. در تکنیک دلفی همان طور که مستحضرید، یکی از مشکلاتی که در عمل برای خیلی ها که از این روش در حوزه های روانشناسی استفاده کردند این هست که ساختار تکنیک های لیکرت در دلفی چند تا عامل را دچار آسیب پذیری می‌کند یکی از آن ها این هست که وقتی شما از لیکرت استفاده می‌کنید، مطلوبیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. چه بسا روی کسانی که حتی خودشان پژوهشگر

هستند، به واسطه تحت تأثیر قرار گرفتن مطلوبیت اجتماعی یا از این ور نمره را پایین می‌دهند یا از آن ور. دومین عاملی که در لیکرت مشکل ایجاد می‌کند این هست که وقتی شما از لیکرت استفاده می‌کنید به دلایل مختلف مثل ضیق وقت به دلایل خیلی متغیرهای زیاد، افراد اکستریم منفی یا اکستریم مثبت انتخاب می‌کنند یعنی تحقیقتان از نظر آماری که بعداً بررسی می‌کنید دچار مشکل می‌شود. ولی در حقیقت واکاوی اش نشان می‌دهد که این ربطی به لیکرت نداشته است. یک نکته دیگر این که خانم الن هردا از این در سانفرانسیسکو استفاده کرده در حوزه خانواده بعداً به این رسیده که برای این جور مسائل مشارکت آمیز، خیلی بهتر جواب می‌دهد چون هم مشکل لیکرت را حل می‌کند هم به خاطر پروتکل دائمی که انجام می‌شود خیلی از این قوانین را از بین می‌برد، اما آیا از پدیدارشناسی وقتی شما از این استفاده می‌کنید چون تجربه زیستی انسان ها از لحاظ مصاحبه های غیرساختاری مرتبط می‌شود مصاحبه های غیرساختاری خیلی به شما **data** های دقیق تری می‌تواند برساند. یک نکته دیگری چون شما شروع تان به نسبت روش های کیفی به تازگی کشف کردید بد نیست که من در پرائتز عرض بکنم که کسانی مثل بیندر که از طلایه داران روش های کیفی هستند در حوزه روانشناسی خانواده و این ها، یک اعتراضی به شما دارم هم در عنوان و هم در روش. به خاطر این که بحث آن ها با علم فوکو این هست که ما هرگز نمی‌توانیم صرفاً از دید ناظر پژوهشی، خود عامل نقش بسیار زیادی دارد در تحقیق. اینکه شما بر فرض ۵ تا مقاله نوشته اید، فرمودید که کتاب نوشته اید در حوزه خانواده و غیره یا اساساً متخصص، این مشکلی که به وجود می‌آورد این هست که چه بسا چون بحث فوکو همین هست که در بحث گفتمان قدرت که در طول تاریخ ممکن است که عده ای یک عده ی دیگر را سرویس کرده اند به خاطر اینکه به واسطه نگاه ناظر اصلاً مسائل عامل را نفهمیدند. فقط صرفاً به خاطر ذهنیت های خودشان هست، لذا وقتی می‌گوییم مسائل بنیادی خانواده های ایرانی از چه پرسپکتیوی، از پرسپکتیو (منظر) محقق باشد که ممکن است خیلی از مسائل اصلاً مسئله نباشد، شما در دروازه غار و خیلی جاهای شهرداری که بروید خیلی از مسائل به وجود می‌آید، یک نکته دیگر در بحث تان فرمودید اینکه اجماع راجع به مسائل، آیا الزماً به معنای حل مسئله است چون شما دارید دلفی استفاده می‌کنید. متخصصان زیادی را می‌آورید، آیا الزماً رسیدن به اجماع معنایش این هست که آن مسائل وجود دارد یا وجود ندارد. من فقط عرضم این هست

که کیفی کار کردن با بنیان مقدمه یک مقداری مشکل خواهد داشت. چون اگر ما بخواهیم مسائل بنیادی را به این شیوه حتی کشف اش بکنیم خودش قابل تشکیک، هست.

آقای دکتر خجسته مهر: من تشکر می‌کنم از خانم دکتر اسماعیلی که به نظر من نکته خیلی خوبی گفت که من متوجه اش نبودم و آن هم ترکیب گروه دلفی است که کاملاً درست است یعنی ما بایستی یک بومی سازی بکنیم دلیل نمی‌شود آن راه هایی که به ما گفتند بالاخره این گروه دلفی را ما اینجا باید تشکیل بدهیم گروهی از افرادی که متخصص هستند، فرهنگ ایرانی دارند، دینی دارند؛ بومی دارند با هم به یک توافق برسیم. در این جمع راجع به این که این گروه چی باشد اما این که ما چه روشی را انتخاب بکنیم برای سؤال، بستگی به سؤال دارد من هیچ احتیاجی ندارم که بخواهم پژوهشی انجام دهم. چون هم سنم هم رتبه ام، درجه استادیما در دانشگاه مؤید این واقعیت است. این که شما فرمودید انگیزه تان چی هست، باید عرض کنم به خاطر عرق ملی پا جلو گذاشتم. ضمناً آن چیزی که روش یک پژوهش را تعیین می‌کند، نوع سؤال هست مثلاً ما می‌توانیم سؤال را جوری مطرح کنیم که تحلیل عامل انجام بدهیم. سؤال را جوری مطرح بکنیم که یک فراتحلیل انجام بدهیم. با این وجود روش دلفی مثل خیلی از روش های دیگر ایراداتی دارد. اما به نظر من آنچه شما اشاره کردید که چرا؟ ضرورت ها به سه دسته تقسیم میشود یا ضرورت ها روش شناختی هست، یا نظری است و یا کاربردی است. پس آنجایی که آقای دکتر افروز و دیگران می‌آیند اشاره می‌کنند به قانون اساسی به عنوان یک ضرورت مسئله است. یا وقتی ما اشاره می‌کنیم به آمار طلاق که آن قدر هست بالاخره رهبر در جامعه ما در جامعه اسلامی و دینی یک جایگاهی دارد مثلاً اگر ما اشاره بکنیم که پیامبر اکرم راجع به خانواده ایگونه گفته است، این نقلی است باید ملاک قرار بگیرد. من این را نمی‌پذیرم که مباحث نقلی در پژوهش نمی‌تواند مورد استناد قرار بگیرد. بنابراین ضرورت ها به چند دسته تقسیم میشوند اما با آن فرمایش خیلی خوبتان که روی گروه دلفی خیلی باید دقت بکنیم موافق هستیم. اما به نظر من چون آن پروپوزال خوانده نشد، ممکن است بعضی ها بگویند ضعیف بود. شاید واقعاً ضعیف هم نبود آنچنان که می‌گویند. ولی اصلاً سؤال ما این بود که ما می‌خواستیم از روش دلفی استفاده کنیم. تکنولوژی دلفی در مطالعاتی که در صدد جمع‌آوری داده‌های تجربی در زمینه هایی که فاقد شواهد روشن است، کاربرد دارد این

روش به محقق اجازه می‌دهد تا آراء متخصصان را در مورد متغیرهای کیفی برای برنامه‌های توسعه آینده، شناسایی بکند. ما می‌خواهیم آرای متخصصین را بررسی بکنیم. خوب ما که نمی‌خواهیم یک کار دیگر انجام بدهیم. ببخشید من الان یک مدل ارائه دادم که اگر زوجین جوان با صداقت جواب بدهند، من ۸۰ درصد به آن‌ها می‌گویم که کارتان به طلاق می‌کشد یا خیر. خوب ما الان پژوهشمان این نیست از روز اول شورای اندیشکده گفت بروید آرای متخصصین را بپرسید و در ضمن ما نخواستیم با ۳۰ نفر کار کنیم. گفتیم که ۱۵ تا ۲۰ نفر. اما یک نکته دیگر هم هست. اگر ما بخواهیم شک بکنیم به متخصصین، دچار مشکل می‌شویم. ما در روش تحقیق اتکاء به پیش فرض‌ها داریم. شما می‌توانید به آزمون و دلیل هم هیچ اعتمادی نکنید و بگویید این‌ها دروغ می‌گویند بالاخره ما باید به یک گروه دلفی برسیم با آن شاخص‌هایی که بزرگواران می‌فرمایند. آقای دکتر به پژو من را درک کردند. به خاطر اینکه ما گفتیم شناسایی مسائل از دید متخصصین. خوب حالا روش دلفی را انتخاب کردیم. ببخشید شما به یک طاووس نگاه کنید با این پرهای خوشگلش، پایش هم کج است، شما کدام روش تحقیق را می‌شناسید که کامل باشد؟ مگر ما گفتیم که فراتحلیل می‌خواهیم بکنیم اگر سؤال تحقیق ما اشاره دارد به فراتحلیل، شما حق دارید بگویید. اما با این وجود من معتقدم شدم که باید چند گروه دلفی ایجاد شود.

آقای دکتر افروز: من تشکر می‌کنم. توضیحات خوبی همه دوستان اشاره کردند. منتهی من خواهش می‌کنم یک بازنگری براساس فرمایشاتی که همکاران محترم داشتند بشود. اگر صلاح دانستید جلسه بعد ما در دستور کار بگذاریم مبنی بر اینکه جناب آقای دکتر ساجدی‌نیا قبلاً برای دوستان بفرستند که کار را شروع بکنیم و بودجه‌ای برای این کار ان شاءالله تدارک ببینیم. ما خودمان گروه دلفی می‌شویم. به عنوان گروه دلفی می‌نشینیم آنجا، شما سؤال‌هایتان را مطرح بکنید، بحث بکنیم، به عنوان مثال می‌گوییم. یعنی خودمان گروه دلفی، ما که نشستیم این چالش‌ها را درآوردیم به اصطلاح دلفی بودیم یا حداقل می‌توانست باشد. این را می‌شود به شیوه‌های مختلف تلفیق بکنیم که حل شود از آقای دکتر ساجدی‌نیا که همه زحمات ما بر عهده ایشان است تشکر می‌کنیم، توان ایشان، صبوریشان واقعاً ستودنی است، آقای مهندس طاهری انصافاً دعوتنامه‌ها را چند بار فرستادند برای خانم نوابی نژاد ولی سوءتفاهم ایجاد شد. اندیشکده‌های دیگر شروع کردند به بحث اندیشه‌ورزی. من نظرم این

هست که گروه ما، شورای خانواده ما، صلاحیت و قابلیت های فوق العاده زیادی دارند که ما بتوانیم مباحثی که راجع به اندیشه ورزی مطرح است را مطرح بکنیم. یکی از موضوعاتی که در دستور جلسه نوشته بودیم جمع بندی و پیگیری مصوبات جلسات اندیشکده بود که آقای دکتر ساجدی نیا قرار بود انجام بدهند منتهی این را در مصوبات جلسه بعد مطرح می کنیم ان شاء الله. نهایتاً، راجع به اندیشه ورزی یک موضوعی را مطرح بکنید که بتوانیم بحث بکنیم یعنی واقعاً یک سخنرانی می خواهند بگذارند. در مباحث اندیشه ورزی، استادان می آیند و دعوت می - کنند و می خواهند که دیدگاه های نو مطرح بشود حالا که نوآوری در عرصه خانواده می خواهیم داشته باشیم، نمی خواهیم کلیشه ای باشد، یک خورده فکر کنیم، ان شاء الله حرف تازه داشته باشیم. جلسه بعد آقای دکتر ساجدی نیا مصوبات را تک تک مطرح می کنند این طرح بازنویسی کامل می شود به همه ایمیل می کنند اگر دوستان پیشنهاد دارند، پیشنهاد می دهند که یک خورده پخته تر بشود به هر میزان که کار علمی انجام شود، ان شاء الله هزینه هایش را به ما می دهند. جلسه بسیار خوبی بود. و نکات دوستان کمک می کرد. حالا ممکن است چند گروه همزمان کار کنند. مثلاً خارج از خودمان ممکن است کار شود آقای دکتر نظرشان این است که رؤسای دادگاه های خانواده را دعوتشان بکنیم به جلسه، آدم های مختلف با نگاه های مختلف در این ترکیب باشند دنبال یک مقاله ترجمه کردن نباشیم یعنی یک نفر که بصیرت داشته باشد، نه اینکه دانش ترجمه ای داشته باشد. آقای دکتر ساجدی نیا آخر جلسه چند دقیقه ای در خدمت شما هستیم.

آقای ساجدی نیا: بسم الله الرحمن الرحيم، مرکز برای هر جلسه یک خبر می خواهد، خبر باید متفاوت و نو باشد یعنی هر جلسه باید یک خبر قابل درج در نشریه مرکز داشته باشد، همین الان گزارش می خواهند که جلسه امروز شما چه خبری داشت، دوم اینکه انتظار از جلسه این است که ما در هر جلسه یک سند محتوایی هم داشته باشیم. ما به یک چیزی رسیده باشیم که این موضوع و این مطلب بتواند بخشی از کار خانواده را پیش ببرد. ما باید بر اساس نقشه راه یک برنامه داشته باشیم و در هر جلسه، یک گام به جلو، نزدیک تر شویم. کاری که امروز انجام شد، کار قابل قبولی است. منشور اندیشکده ۳ یا ۴ جلسه وقت برده و در جای خودش کار ارزنده ای است. قبلاً در خصوص صاحب نظران کراً بحث کردیم ولی اساتید محترم اسامی صاحب نظران را ندادند. شبکه صاحب



نظران جزو ارکان اندیشکده است. آقای دکتر خجسته مهر، هم کتاب های فاخر را محبت کردند هم رزومه شان را دادند هم شبکه صاحب نظران را معرفی کردند. موضوع بعدی پرداختن به کارگروه ها است. کارگروه ها را مشخص کردیم اما سازمان دهی نکردیم. دانشجویان دکترا و فوق لیسانس که می توانند کار بکنند در گروه مطالعاتی و در گروه ویژه سازمان دهی خواهند شد. اما کارگروه های اندیشکده متفاوت است. که هر کدام از آقایان و خانم ها مسئولیت هر کارگروه را به عهده خواهند گرفت و می توانند در خارج از اندیشکده و مرکز، تشکیل جلسه بدهند و روی آن کار کنند. الان انتظار مرکز برگزاری نشست های اندیشه ورزی است که آقای دکتر قبول فرمودند اولین نشست را آینده نزدیک برگزار کنند.. از اندیشکده خانواده انتظار خاصی دارند، مباحث جلسات پیاده سازی می-شود. یکی از نشست هایی که قابلیت پیاده سازی دارد، نشست امروز بود. چون واقعاً فنی و علمی بود.